

سال اول - شماره بیست و یکم

۵ مهر ۱۳۹۳ - ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۴

سر دبیر: سهند مطلق

سهند

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگر ایران





داعش ، ترکیه و تراژدی کوبانی

مصاحبه با محسن ابراهیمی



نشریه سهند

سال اول - شماره پست و یکم

۵ مهر ۱۳۹۳ - ۲۷ سپتامبر ۲۰۱۴

سر دبیر: سهند مطلق

ایمیل:

Sahand.publication@gmail.com

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری

www.sahand-azadi.com

www.facebook.com/sahandazadiwpi

نشریه همکار کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگر ایران

سهند: داعش بعد از مداخله آمریکا در عراق از خیلی مواضع خود در عراق عقب‌نشینی کرد اما در حال حاضر به صورت متمرکز حمله‌های خود را به سوی کوبانی در سوریه آغاز کرده. علیرغم مقاومت وسیع مردم مسلح، فقط در هفته گذشته بیش از ۱۴۰ هزار از مردم به سمت مرزهای ترکیه هجوم آورده‌اند. داعش چرا این چنین برای کوبیدن مردم کوبانی بسیج شده است؟ جایگاه کوبانی چیست؟

محسن ابراهیمی: کوبانی مدت‌هاست مورد تعرض داعش بوده ولی مقاومت سرسخت مردم متشکل در "یگان‌های دفاع خلق" تاکنون اجازه نداده داعش وارد شهر شود. حتی حملات سنگین تر با سلاح‌های سنگین توسط داعش بعد از دسترسی به پادگان موصل هم با مقاومت شجاعانه مردم عقب زده شد.

بعد از تحمل عقب‌نشینی در عراق، داعش نیروهایش را برای تصرف کوبانی در سوریه گسیل کرده است تا شکست‌های نظامی در عراق را با پیروزی نظامی در جبهه‌ای دیگر جبران کند. اهمیت کوبانی به عنوان مرکز سه کانتون مناطق کردنشین سوریه برای داعش این‌ها هستند:

۱- کوبانی به عنوان کانتون مرکزی، در مسیر یک جاده اصلی شرق و غربی قرار دارد که اولاً دو کانتون دیگر را به هم وصل

هیچ اتفاقی، هیچ نیرویی نمی‌تواند نیروهای اسلامی زنجیر پاره کرده را قفس کند مگر اینکه نیروی عظیم طبقه کارگر و مردم آزادیخواه و برابری طلب بار دیگر از گوشه‌ای و کشوری انقلابی برای "نان و آزادی و کرامت انسانی" را آغاز کنند و به فرجام برسانند. ارتجاع و قهقریایی به قدرت عربستان سعودی و جمهوری اسلامی و شبه‌نظامیان درنده سنی و شیعه‌شان را فقط و فقط انقلاباتی می‌توانند در هم بشکنند که توده عظیم مردم منزجر از همه نیروهای تروریست اسلامی را به میدان بیاورد.

خیابان‌ها ریخت و علاوه بر اعلام انزجار و نفرت از خون‌خواران اسلامی و اعلام حمایت از مبارزه برحق مردم کوبانی، حرکت انسانی مردم کردستان در ایران برای کمک به مردم کوبانی را در ابعادی جهانی تر تکرار کرد. جهان بیش‌ازپیش به متحد شدن همه انسان‌هایی که خواهان زدودن چرک و خون و کثافت اسلامی از کره زمین هستند نیاز دارد. هرچقدر این جبهه در سطح جهان متحدتر شود و قدرتمندتر عمل کند همان قدر دولت‌ها بیشتر مجبور می‌شوند از مماشات و میدان دادن به نیروهای اسلامی دست بکشند. همان قدر بیشتر منافذ و دریچه‌ها برای فعالیت و جذب نیرو و تأمین مالی و پرورار شدن نیروهای اسلامی تنگ‌تر می‌شود. همان قدر بیشتر دست بشریت، دست مردمی مثل کوبانی‌ها برای درهم شکستن و ریشه‌کن کردن دمل‌های اسلامی بازر می‌شود.

اما، همین الآن سؤال این است که دول غرب که مواضع داعش در سایر نقاط را بمباران می‌کنند به خاطر چه محاسباتی در قبال وضعیت بسیار حساس منطقه کوبانی بی‌اعتنا هستند؟ آیا ملاحظه ترکیه - یکی از نیروهای ائتلاف علیه داعش! - را می‌کنند که به شدت از دست بالا پیدا کردن نیروهای مسلح مردم کرد زبان نگران است؟ آیا نگران‌اند که پیروزی مردم کوبانی مردم را مدعی‌تر کند؟ آیا این پا آن پا می‌کنند تا با جنایات جدید داعش نمایش منجی‌گری راه بی‌اندازند؟ پاسخ هر چه هست ما را فقط به یک نتیجه سیاسی هدایت می‌کند: هرچقدر هم نبرد ائتلاف کنونی با داعش گسترده‌تر باشد هرگز نمی‌توان و نباید به این نیروها به‌عنوان راه نجات مردم نگاه کرد. نمی‌توان از این‌ها انتظار حتی یک‌ذره اشتیاق برای رهایی مردم از درد و رنج و مشقت داشت. ممکن است حتی همین روزها مواضع داعش در اطراف کوبانی بمباران شود اما اگر به خاطر تأخیرشان با هر محاسبه سیاسی داعش دست بالا پیدا کند و هزاران جان و زندگی نابود شود خم به ابرو نمی‌آورند.

می‌کند و موقعیت مردم مسلح برای مقاومت را قوی‌تر می‌کند و ثانیاً، دو بخش تمرکز نیروهای داعش در شرق و غرب این منطقه را از هم جدا می‌کند و مانع حمایت لجستیکی این دو بخش از همدیگر می‌شود و امکان تعرض هماهنگ تروریسم اسلامی را ضعیف‌تر می‌کند.

۲- کوبانی همچون یک حائل جغرافیایی میان نیروهای داعش و دولت ترکیه عمل می‌کند و عملاً به امکانات لجستیکی داعش در ترکیه لطمه جدی وارد می‌کند. از این نظر، در هم شکستن مقاومت مردم کوبانی هم برای دولت ترکیه که حامی داعش بوده مهم است و هم برای داعش که روی حمایت ترکیه حساب می‌کرده اهمیت دارد.

۳- یک وجه مهم‌تر و سیاسی‌تر جایگاه کوبانی برای تروریست‌های اسلامی این است که مقاومت شجاعانه و تاکنون پیروزمندانه مردم مسلح می‌تواند الهام‌بخش مردم دیگر مناطق برای تعرض به جنایتکاران اسلامی شود.

۴- مقاومت مردم کوبانی وقتی با فرار نیروهای اقلیم کردستان در سنگال عراق مقایسه می‌شود یک درس جدی دیگر به مردم منطقه می‌دهد: در مقابله با داعش روی ناسیونالیسم و مشخصاً ناسیونالیسم حاکم در اقلیم کردستان نمی‌توان حساب کرد که در لابه‌لای بندوبست و بازی کردن در معاملات پشت پرده میان ترکیه و عربستان و داعش و ... چرخ می‌زنند. مردم باید روی مقاومت مسلح و متشکل خودشان حساب کنند.

با توجه به همه این‌ها، سقوط کوبانی از نقطه نظر داعش برای حفظ روحیه مزدورانش حیاتی است. برعکس مقاومت مردم کوبانی اگر بتواند همچنان دست داعش را از منطقه دور نگه دارد اولاً به قدرت مردم مسلح در مقابل توخس اسلامی اعتبار بیشتری می‌دهد و ثانیاً روحیه قاتلین داعش را به شدت تضعیف می‌کند.

در حال حاضر که این سطور را می‌نویسم نیروهای داعش که در سایر جاها زیر بمباران هستند هارتر از گذشته به سوی کوبانی روی آورده‌اند و شهر از سه جبهه مورد حمله است. به دلایلی که در بالا توضیح دادم تسخیر کوبانی برای این مرگ‌آوران بسیار حیاتی است. مردم جسور کوبانی در حال حاضر مشغول نبردی سرنوشت‌ساز هستند. به شدت مقاومت می‌کنند اما اگر شهر به دست این جانین بی‌افتد جهان را با جنایات وسیع‌تر و سبعانه‌تر از گذشته به حیرت خواهند انداخت.

مردم کوبانی سزاوار بیشترین حمایت‌ها از طرف مردم جهان هستند. فوراً و به هر طریق ممکن باید به کمک آنان شتافت. عملی‌ترین کاری که همین الآن می‌تواند کرد این است که باید هر چه وسیع‌تر در سراسر جهان به

و اما در رابطه با موضع ترکیه نسبت به اتفاقات کوبانی و رفتارش با آواره‌های کوبانی طرح چند نکته لازم است:

- ترکیه بالاخره مجبور شد درها را به صورت محدود به روی فراریان از منطقه باز کند چون در غیر این صورت، از نقطه نظر افکار عمومی، روز روشن به عنوان همدست کامل جنایتکارانی تلقی می‌شد که منفور مردم جهان هستند. البته هنوز هم تعداد زیادی پشت مرزها با سرنوشت غم‌انگیزی مواجه هستند.

- ترکیه از اتحاد مردم کرد زبان کوبانی و مردم کرد زبان خود ترکیه نگران است. در همین چند روز گذشته تعداد زیادی از جوانان ترکیه تلاش کرده‌اند به مقاومت کوبانی بپیوندند اما نیروهای امنیتی ترکیه مانع پیوستنشان شدند. همچنین این ترس وجود دارد که "پ ک ک" در این میان از میان این آوارگان نیرو جذب کند.

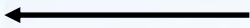
- سیاستمداران ترکیه ابداً علاقه ندارند مقاومت مردم کرد زبان کوبانی در مقابل داعش با شکست داعش پایان یابد. چنین سناریویی الگوی سیاسی خطرناکی برای نسل معترض در منطقه باقی خواهد گذاشت.

- و بالاخره باید روی این تأکید کرد که ترکیه هم مثل عربستان سعودی و سایر قدرت‌های منطقه اگرچه دیگر نمی‌تواند با کارت داعش روباز بازی کند اما پشت‌صحنه هنوز کارت نیروهای اسلامی سنی را ته جیبشان نگه خواهند داشت. سیاست در منطقه پیچیده‌تر از این سناریوی ساده است که گویا آمریکا به سرعت داعش را نابود خواهد کرد و تقسیم سهم میان دول مرتجع را به سرعت تمام خواهد کرد. نیروهای اسلامی دیگر چه بسا با بقایایی از رهبران جانی همین داعش امروز بتوانند در لیست بعدی "جنگندگان راه آزادی" آمریکا و دولت‌های مرتجع منطقه قرار گیرند.

سپهند: کشور ترکیه یکی از حامیان داعش بوده و این در حالی است که ترکیه یکی از هم‌پیمانان آمریکا نیز هست. بعد از حمله داعش به کوبانی و آواره شدن مردم، کشور ترکیه مرزهای خود را به روی آواره‌های کوبانی بست و در چند مورد حتی به سوی آوارگان تیراندازی کرد. علت بستن مرزها به روی آوارگان و نقش ترکیه به عنوان هم‌پیمان آمریکا و مدافع و حمایت‌کننده داعش در منطقه چیست؟

محسن ابراهیمی: الآن اطلاعات زیادی در سایت‌ها هست که نشان می‌دهد ترکیه به اشکال مختلف - مالی، نظامی، لجستیکی و آموزشی - از داعش حمایت کرده است. در بحران سیاسی سوریه از همان اول ترکیه در کمپ غرب و دولت‌هایی مثل عربستان سعودی قرار داشت و روشن است که تقویت انواع نیروهای اسلامی سنی برای ترکیه نقش ابزاری مهمی برای پیشبرد سیاستش در منطقه را داشته است.

الآن دیگر اوضاع فرق می‌کند: اولاً، بده بستن‌های پشت پرده ترکیه با داعش منجر به آزادی گروگان‌های اهل ترکیه شده است؛ ثانیاً، سیاست آمریکا الآن کوبیدن نظامی داعش است و ترکیه هم به عنوان یک متحد منطقه‌ای ناتو در ارابه ائتلاف علیه داعش جای گرفته است. مسئله دولت ترکیه در قبال نیروهای اسلامی سنی اساساً همان است که مسئله عربستان سعودی. هر کدام از این دول مرتجع می‌خواهند از پیکر دریده شده سوریه و عراق سهم شیرشان را بگیرند و بتوانند با پوزه خونینشان به عنوان پیروز میدان در مقابل دیگران عربده بکشند. مسئله از طرف همه نیروهای درگیر تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه‌ای است. از نظر هیئت حاکمه ترکیه مثل همه حکام منطقه، تا دیروز برای بردن در بازی قدرت منطقه‌ای بازی با کارت داعش لازم بود و امروز این کارت به سرعت در حال سوختن است.



سپند: اوضاع سوریه و کل خاورمیانه به کدام سو می‌رود؟

سنی ظرفیت جنایت دارد و اگر دستش برسد و لازم باشد به سرعت اقدام خواهد کرد. همین امروز خبر رسیده است که شبه‌نظامیان سپاه بدر سر به جمهوری اسلامی در منطقه طوزخورماتو بساط ایست بازرسی راه انداخته‌اند و دنبال "عرب سنی" می‌گردند و جنازه ده تن که توسط این باندهای شیعه کشته شده‌اند در منطقه پیدا شده‌اند.

خاورمیانه را فقط به فرجام رسیدن پیروزمندانه آن انقلاباتی می‌توانست نجات دهد که جرقه‌اش در تونس زده شد، در مصر یک دیکتاتور "آهنین" را به زیر کشید و اما میان راه شکست خورد و ژنرالی از نظام سابق به پاسداری از همان نظام گماشته شد؛ در لیبی آن چنان شکست خورد که به جای یک دیکتاتور مالخولیا ترکیبی از دارو و دسته‌های مسلح تماماً ضدانقلاب یکه‌تاز شدند؛ و بالاخره در سوریه به‌طور کامل به خون کشیده شد و در کنار دیکتاتور سابق، هارترین جانوران اسلامی بر هستی ۲۳ میلیون انسان مسلط شدند.

هنوز هم تنها امید نجات مردم منطقه از این همه ویرانی و تباهی و رنج جان فرسا، بازگشت همان انقلابات، اما بازگشت پیروزمندشان است. هیچ اتفاقی، هیچ نیرویی نمی‌تواند نیروهای اسلامی زنجیر پاره کرده را قفس کند مگر اینکه نیروی عظیم طبقه کارگر و مردم آزادبخواه و برابری طلب بار دیگر از گوشه‌ای و کشوری انقلابی برای "نان و آزادی و کرامت انسانی" را آغاز کنند و به فرجام برسانند. ارتجاع و قهقرایی به قدرت عربستان سعودی و جمهوری اسلامی و شبه‌نظامیان درنده سنی و شیعه‌شان را فقط و فقط انقلاباتی می‌توانند در هم بشکنند که توده عظیم مردم منزجر از همه نیروهای تروریست اسلامی را به میدان بیاورد.

سپند: با تشکر از شما محسن ابراهیمی برای شرکت در مصاحبه*

محسن ابراهیمی: این خام فکری محض است اگر کسی تصور کند بمباران‌های هوایی آمریکا و متحدانش اوضاع عراق و سوریه را به شرایطی حتی کمی شبیه به اوضاع سابق تحت دیکتاتورهای بعثی برگرداند. من شخصاً خوشحال هستم که خالقان دیروز هیولاهای اسلامی همچون داعش، امروز به جان مخلوق خود افتاده‌اند و می‌خواهند به نحوی کنترلش کنند. اما بمباران‌های آمریکا و متحدان اسلامی و غیر اسلامی‌اش نمی‌تواند غده سرطانی تروریسم اسلامی را از منطقه ریشه‌کن کند به این دلیل ساده که عربستان و ترکیه و شیوخ منطقه و در رأس آن‌ها آمریکا که خود ریشه این درختان سمی را آبیاری کرده‌اند، هرگز در فکر کندن ریشه‌اش نیستند و نمی‌توانند باشند. این دولت‌ها توسط این نیروها داشتند در عراق و سوریه جنگ نیابتی با جبهه دیگر تروریسم اسلامی به سرکردگی جمهوری اسلامی را پیش می‌بردند. تا این رقابت قدرت در منطقه هست این هیولاها هم لازم هستند.

در بهترین حالت، این بمباران‌ها می‌توانند سلاح‌های سنگین داعش را نابود کنند و توان نظامی توپخانه‌ای‌اش را آن قدر تضعیف کنند که دیگر نتواند لشکرکشی‌هایش به شهرها را مثل سابق ادامه دهد. اما نیروهای تروریست اسلامی توانسته‌اند در متن جامعه از هم‌گسسته عراق و سوریه آن قدر نیرو بگیرند که برای سال‌ها بمب‌گذاری و آدمکشی انتحاری کافی باشد. سناریوی آدمکشی اسلامی که سال‌هاست در عراق جریان دارد در ابعادی وسیع‌تر در هر دو کشور ادامه خواهد داشت.

مضافاً باید گفت که روسیه و جمهوری اسلامی و بشار اسد و حزب‌الله و سپاه بدر و ارتش مهدی و انواع دار و دسته‌های تروریست شیعی سر به حکومت اسلامی ناظرین بی‌طرف اوضاع نیستند. داعش شیعی به همان اندازه داعش





داعش‌ها حاصل چه سیاستی هستند؟

ناصر الصغری

یکی از معاونهای سابق صدام هستند، و ۳) "داعشی"ها، همان نیرویی که با سر بردن و قساوتهای که در سنگال و کوبانی راه انداختند توجه جهان را به خود جلب کرده است. اولی ها و دومی ها واضح است که نیروهای از قدرت ساقط شده ای هستند که دارند زور می زنند به امید خدایشان و در زیر خلاء قدرت دولتی باثبات و با بند و بست و شاخ و شاخ شدن آمریکا و جمهوری اسلامی، بار دیگر شاید به صورتی دیگر وارد عرصه قدرت دولتی بشوند. آن نیروی سوم، و یا وحشی هایی که می خواهند دنیا را ۱۴۰۰ سال به عقب برگردانند، مسئله دیگری دارند. اینها تعدادی آدم هستند که از هر کشوری، از انگلیس و کانادا و آلمان گرفته تا عراق و کردستان و یمن و افغانستان و عربستان چند نفری دور هم جمع شده اند و باز در خلاء یک قدرت دولتی مقتدر و در اتحاد با دیگر مخالفین دولت مترسک مرکزی عراق یکه تازی می کنند.

اما همین گروه وحشی سوم را هم نباید یک دست فرض کرد. در بین اینها هم هستند کسانی که از سیاست خارجی آمریکا و جنایتهایی که در چهارگوشه دنیا مرتکب می شود به تنگ آمده و حاضرند دست به قساوتهایی بزنند که دنیا را امروز متحیر کرده است! در دنیای مدرن امروز، هستند کسانی که در قلب اروپا و آمریکا زندگی می کنند و حتی مسلمان زاده هم نیستند اما بخاطر سیاستهای، بخصوص خارجی آمریکا، با این وحشی ها احساس همدردی می کنند!

آمریکا و متحدینش بار دیگر دندانهایشان را تیز کرده اند که این بار به بهانه داعش باز هم به "جنگ" تروریستها بروند.^۱ یک سال پیش در ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۳، مطلبی تحت عنوان "دخالت های خارجی و متدهای متفاوت"^۲ نوشتم که آنجا به متد مارکسیستی در برخورد به دخالت های دولت غربی پرداخته بودم. خواندن آن نوشته را به کسانی که وقت و حوصله دارند مسائل آن روز را دنبال کنند، توصیه می کنم. در این یادداشت به چند نکته دیگر اشاره خواهم کرد که به نوعی دنباله همان متد است.

زندگی عادی ای که اکثر مردم دنیا امروز با آن آشنا هستند در عراق معنای خود را از دست داده است. اگر دنبال کردن این موضوع مختص سیاسیونی که مسائل را از نزدیک دنبال می کنند بود، با کشت و کشتار و حمام خونی که داعش به راه انداخته است، امروز دیگر کسی در هیچ گوشه ای از جهان نیست که از این وضعیت بی خبر مانده باشد. برای توضیح این موقعیت اول باید به خود داعش پرداخت. داعش چیست و از کجا آمده؟

هیچ آدم سیاسی جدی ای که مسائل را دنبال کرده باشد بر این باور نیست که داعش یک جنبش سیاسی است. فلاح الوان، "رئیس فدراسیون شوراهای اتحادیه های کارگری در عراق" در گزارشی^۳ می گوید که داعش از سه نیروی سیاسی کاملا متفاوتی تشکیل شده است: (۱) بعثی و ارتشی های سابق صدام حسین، (۲) نقشبندی ها که نیروی نظامی عزت ابراهیم الدوری،

آغوش پدر و مادر شلیک می‌کنند. از هیروشیما تا ویتنام تا گرانادا تا عراق، از میدانهای تیرباران در اندونزی و شیلی تا قتلگاههای فلسطین، کارنامه و پرونده این "آینده ساز"، عیان و غیر قابل انکار جلوی چشم جهانیان است. داعش را این سیاستها به وجود آورده است. بانی آن این سیاست خارجی است.

اوباما در همان جلسه مزبور گفت و قبلتر هم جو بایدن، معاون وی گفته بود که "قصد دارند ریشه داعش را بخشکانند." اما چه کسی است که دیگر به این گونه عبارات بی محتوا و توخالی اهمیتی بدهد. اگر داعش و القاعده و طالبان و الشباب و کنتررا و بوالکحرام را خودشان برای رقابت با کسانی سر هم نکرده باشند، سیاستهای آدمکش خارجی آنها داعشها می‌زاید. مبارزه با تروریسم کار آمریکا نیست. خلق آن رسالت سیاست خارجی آن است. برای ریشه کن کردن داعشها، باید جبهه ای سازمان داد که هم بر علیه داعش بجنگد و هم بر علیه داعش سازان.*

=====

(۱) دنیا پس از ۱۱ سپتامبر

<http://hekmat.public-archive.net/fa/1990fa.html>

(۲) دخالتهای خارجی و متدهای متفاوت:

http://nasser1848.blogspot.ca/2013/09/blog-post_17.html

(۳) گزارشی از فلاح الوان، رئیس فدراسیون شوراها و اتحادیه های کارگری در عراق

<http://nasser1848.blogspot.ca/2014/09/blog-post.html>

موضوع بحث من این نیست. بحث این است که وقتی ناتو به کشوری مثل عراق حمله می‌کند تا دولت مرکزی آن را ساقط کند و کشور وارد یک بلبشوی سیاسی و کشت و کشتار فرقه ای - مذهبی می‌شود که در عرض ۱۰ سال ۵۰۰ هزار نفر غیرنظامی جان خود را از دست می‌دهند، دیوانه هایی که پرچم سیاه بلند کرده و روزی یک میلیون دلار از طریق عوارض گمرکی و فروش نفت به ترکیه درآمد دارند، در یک چنین فضای رعب و وحشتی سر بلند می‌کنند و خود نیروئی می‌شوند. اینها، همچنانکه گفتیم، جنبشی سیاسی نیستند، بلکه تروریستهایی هستند که به دلایل مختلفی، از جمله برگشت به ۱۴۰۰ سال پیش و مخالفت و نفرت از زوایای ارتجاعی با سیاستهای دولت آمریکا، که در کشورهایی مثل عربستان، بحرین، یمن، قطر، امارات متحده و غیره و غیره دولتهایی را که صرفا با کمک سیاست خارجی آمریکا سر پا هستند و روزانه کرور کرور آدم سر می‌برند و زندگی را بر توده های مردم حرام کرده اند، میداندار می‌شوند. ناگفته هم نباید بماند که اینها بدون حمایتهای آشکار و ضمنی دولتهایی چون عربستان، ترکیه، و دیگر شیخ نشینهای خلیج تاب مقاومت یک روز را هم ندارند.

شیوخ عربستان که روزانه به همان اندازه داعشیها سر از بدن جدا می‌کنند، دولت اسلامی ترکیه که بخاطر جنگش با پ ک ک راه را بر قتل عام مردم کردزبانی که پ ک ک آنجاها پایگاه دارد باز می‌کند و آتش بیار معرکه می‌شود، از کلیدی ترین متحدان ناتو در منطقه هستند. اینها همه در چهارچوب سیاستی است که سالانه ۶۰۰ میلیارد دلار بودجه ارتشش است و در صدها جزیره و کشور، بیش از هزار پایگاه نظامی دارد! این بودجه و این سیاست، سیاست آدمکشی تروریسم دولتی آمریکا است که بخاطر برهم زدن معادلات سیاسی به ضرر اعتراضات توده ای، حاضر است جهان را به آتش بکشد. حاضر است طالبان و القاعده و کنتررا و سازمان "آزادبخش" کوسوو سر هم کند.

اوباما امسال در گردهمایی سازمان ملل گفت: "آینده متعلق به کسانی است که می‌سازند نه آنانی که خراب می‌کنند." این را رئیس دولتی می‌گوید که دارای عظیم ترین ماشین تروریسم دولتی و ارباب و باج خوری بین المللی است. رئیس تنها دولتی که سلاح اتمی علیه انسان بکار برده و صدها هزار مردم بیخبر و بیگناه در دو شهر هیروشیما و ناکازاکی را در ظرف چشم به هم زدنی خاکستر کرده است. میلیونها نفر را در ویتنام بقتل رسانده و این سرزمین را با بمباران شیمیایی برای سالها بیمصرف کرده است. ارباب ماشین آدمکشی به نام ناتو، که از عراق تا یوگسلاوی خانه و مدرسه و بیمارستان را بر سر مردمش خراب کرد و نان و داروی میلیونها کودک را در یوگسلاوی و بسیاری کشورهای گروگان گرفته اند. متحد اصلی دولت اسرائیل، که با اشغال و قتل عام مردم سر پا مانده است. تصرف می‌کند، آواره و زندان و محروم می‌کند. به اردوگاههای کسانی که خود آواره کرده اند بمب و راکت می‌زنند و به کودکان خردسال وحشتزده پناه گرفته در

یا نشریه سهند
همکاری کنید!

www.sahand-azadi.com

سایت رسمی کمیته آذربایجان
حزب کمونیست کارگری ایران



داعش را باید شکست داد!

مصاحبه با محمد آسنگران

متفاوتی برخوردار است. احزاب حاکم در کردستان عراق و یا حزب تعیین کننده در کردستان عراق تنها بارزانی نیست. در سوریه حزب تعیین کننده همان پ.ی.د. است که شاخه سوری پ.ک.ک. است. اولاً تصور نمی کنم که بعد از داعش بلافاصله بحث استقلال کردستان مطرح بشود. در کردستان سوریه اصلاً این طور نیست. این موضوع در کردستان عراق می تواند معنی بدهد.

در کردستان سوریه یک حزب حاکم هست و بقیه حاشیه ای هستند. در کردستان عراق برعکس است. تعادل قوا در میان احزاب وابسته به قطب های منطقه ای نیرو و قدرتی نزدیک به هم دارند. هم اکنون دو حکومت غیررسمی پارتی و اتحادیه میهنی حتی مرزهای حاکمیتشان معلوم است. احزاب سنت دار پارتی و اتحادیه میهنی در کردستان عراق احزابی مدعی قدرت و حاکمیت هستند و اگر حاکم بشوند همین سیستم فعلی را با تفاوت هایی ادامه خواهند داد.

پ.ک.ک و شاخه های سوری و ایرانی اش نه ادعای استقلال دارند و نه حتی فدرالیسم و خودگردانی را در استراتژی خود گنجانده اند. آن ها می خواهند بخشی از همان سیستم حاکم کشور خودشان باشند و با حاکمیت فعلی فقط شریک بشوند. پ.ک.ک حتی با تمسخر و "حکومت پوشالی" از تلاش برای استقلال کردستان عراق نام برده است.

مضمون مذاکرات اوجلان و دولت ترکیه را اگر نگاه کنید پ.ک.ک. می خواهند همان طور فعالیت کند که امروز احزاب غیرمسلح آن ها در

سپهبد: کردستان عراق و کردستان سوریه دو جبهه متفاوت علیه داعش هستند. در هر دو منطقه نیروهای مسلح در برابر داعش خط فکری خاصی را نمایندگی می کند. ی.پ.گ و پارتی، نیروهای ناسیونالیست کردستان عراق و سوریه هستند. پارتی، حزب بارزانی حاکم بر کردستان عراق یک حزب ناسیونالیست، عشیره ای، قوم پرست و مرتجع است. در کنار حزب بارزانی احزاب جزء دیگر هم هستند که در جبهه مبارزه با داعش قرار گرفته اند. ی.پ.گ در کردستان سوریه که بخشی از پ.ک.ک است تفاوت چندانی با حزب بارزانی ندارد؛ اما در کردستان سوریه بیشتر توده های مردم در جنگ با داعش دخیل بودند. در هر دو جبهه اگر داعش شکست بخورد و دولت مستقل هر دو کردستان دست این دو حزب بیفتد آیا می توانند نمایندگی خواست ها و مطالبات مردم را بکنند؟ سرنوشت مردم این منطقه به کدام سمت وسو می رود؟

محمد آسنگران: قبلاً با تأکید میگویم راهی به جز شکست در مقابل داعش نیست؛ اما چگونگی این شکست خیلی تعیین کننده است که بعداً سرنوشت آن مناطق چگونه خواهد بود. شکست داعش اگر به وسیله یک نیروی انقلابی و چپ اتفاق میفتاد فرق داشت با اینکه امروز قابل پیش بینی است و قدرت دولت های جهانی و منطقه ای به رهبری آمریکا آن را شکست بدهند.

به نظرم سرنوشت و آینده کردستان سوریه و کردستان عراق تفاوت هایی با همدیگر دارند. مبارزات و اعتراضات مردم کردستان عراق از تاریخ و پیشینه

تمام امکانات مالی و نظامی این منطقه در دست آنها است نیروهای مسلحشان از پول و امکانات این مردم ارتزاق می‌کنند و باید با داعش بجنگند؛ اما در جبهه جنگ با داعش تنها نیروهای حقوق‌بگیر این احزاب نیستند که می‌جنگد. افراد و گروه‌های دیگر هم در دفاع از امنیت محل سکونت خود با داعش در حال جنگند. جنگ امروز با داعش مانند جنگ با هیتلر است، هر کس شکستش بدهد جامعه نفس راحتی می‌کشد و به نرم‌های معمولی خودش برمی‌گردد؛ اما این سؤال که آیا کشته‌شدگان جنگ با داعش باید قهرمان بشوند یا نشوند مرا یاد سؤالی میندازد که از آخوندهای کردستان عراق استفتا کرده بودند، آیا اگر کسی در جنگ با داعش کشته شود شهید است یا نیست و... این مسائل ربط چندانی به سیاست ندارند. این‌ها مباحث حاشیه‌ای و ایدئولوژیک افراد و جریان‌های غیرسیاسی است. نباید جدی‌اش گرفت. بحث بر سر ماهیت جنگ است و این جنگ با داعش برحق است و شکست آن همان قدر به نفع بشریت است که شکست هیتلر به نفع بشریت بود. منظورم از این مقایسه نه ابعاد جنگ که ماهیت سیاسی جنگ است. من اصلاً خوشحال نیستم که پیشمرگان همین احزاب ناسیونالیست کرد به دست داعش کشته شوند و یا شکست بخورند. من دوست دارم حتی یک نفر از آنها کشته نشود و داعش را تار و مار کنند. کسی که سیاست امرش باشد قضا یا طور دیگری می‌بیند به نسبت کسی که قبلاً پرچم ایدئولوژیکش را برافراشته است. برای روشن شدن منظورم اجازه بدهید مثالی بزنم. اگر من ناچار بشوم برای زندگی کردن بین مناطق تحت حاکمیت داعش و احزاب ناسیونالیست کرد یکی را انتخاب کنم، بدون تردید نه تنها داعش را انتخاب نمی‌کنم بلکه از هر امکانی استفاده می‌کنیم که با آن بجنگم. همین تفاوت مهمی را به ما نشان می‌دهد. مثال دیگر این است که جمهوری اسلامی یک حکومت بورژوازی است و حکومت‌های غربی هم حکومت بورژوازی هستند؛ اما هیچ آدم عاقلی حقوق مردم در این کشورها و تفاوت آنها نادیده نمی‌گیرد.

پارلمان ترکیه هستند؛ اما اختلافشان این است که اردوغان نپذیرفته پ.ک.ک هم مثل ها. د.پ. بتواند در ترکیه فعالیت قانونی بکند.

اما در هر حالتی که اگر این‌ها به حاکمان کردستان آینده تبدیل بشوند، چیزی شبیه همین حکومت ۲۳ سال گذشته در کردستان عراق خواهد بود. همه این احزاب علاوه بر اینکه ناسیونالیست افراطی را نمایندگی می‌کنند به شدت عقب‌مانده و اسلامی هم هستند. ولی هویت آنها ناسیونالیسمشان است نه اسلامیتشان. معلوم است که تحت حاکمیت چنین احزابی حقوق مردم معنی و مفهومی شبیه حکومت‌های منطقه دارد که می‌بینیم.

سپهرند: در میدان نبرد ممکن است افرادی از هر دو جبهه کشته شوند. بر همگان آشکار است که داعش یک جریان اسلامی آدمکش و جنایتکار است در مقابل داعش هم احزاب ناسیونالیست مرتجع و قوم‌پرست قرار گرفته است که حتی در بسیاری از نبردها با شعار الله و اکبر پیشروی می‌کنند. آیا اگر افرادی از آنها در این نبرد کشته شد باید به‌عنوان قهرمانان نبرد با داعش و همچنین چهره‌های مبارز از آنها یاد کرد؟ یا به‌صرف اینکه این نیروها با داعش مبارزه می‌کنند باید از آنها حمایت کرد؟ در حال حاضر جمهوری اسلامی هم نیروهای خود را برای نبرد با داعش به عراق فرستاده است آیا باید از جمهوری اسلامی هم در این نبرد دفاع کرد؟ احزاب چپ و کمونیست و مترقی به‌خصوص حزب کمونیست کارگری ایران و اعضای آن در این رابطه باید چه موضع و برخوردی داشته باشند؟

محمد آسنگران: تا جایی که به جنگ با داعش برمی‌گردد شکست داعش به نفع مردم منطقه و بشریت است. هر کس با داعش بجنگد ما نه محکومش می‌کنیم و نه مخالفتی با آن می‌کنیم. همچنان که آمریکا هم اکنون با داعش می‌جنگد و ما محکومش نکردیم. تا جایی که به جمهوری اسلامی مربوط است جنگش با داعش جنگ دو نیروی تروریست است و هرچقدر هم دیگر را تضعیف کنند بهتر است؛ اما جنگ احزاب ناسیونالیست کرد سوریه و عراق با داعش فرق دارد. آنها احزاب حاکم این مناطق هستند



تلاش کنند با سازمان دادن مردم در رأس جنگ با داعش و مبارزه حق طلبانه و جنبش‌های اجتماعی قرار بگیرند. اگر قبلاً این احزاب چپ و کمونیست این کار را کرده بودند اعتبار اجتماعی کسب کرده بودند در جنگ با داعش هم باید در رأس جنگ نظامی قرار می‌گرفتند.

اگر امروز این ضعیف است باید تقویتش کرد. ولی برای درک شرایط امروز باید خودت را جای یک خانواده شنگالی قرار بدهید. باید خودت را جای زنی قرار بدهید که در بازار او را خرید و فروش می‌کنند و امیران داعش به او تجاوز می‌کنند. همین امروز باید این‌ها را نجات داد و هر نیرویی که دست داعش را قطع کند من را خوشحال خواهد کرد. چون کودک کمتری کشته می‌شود و آوارگی و ویرانی کمتری اتفاق می‌افتد؛ و زنان خرید و فروش نمی‌شوند و هزار درد دیگر را شاهد نخواهم بود. کسی که سیاستش با پیش قلبش برای انسان‌های دردمند هماهنگ نباشد، اشکال از سیاست است نه از قلب.

سهند: با تشکر از شما محمد آسنگران برای شرکت در مصاحبه*

سهند: آیا فقط احزاب ناسیونالیست و قوم‌پرست در کردستان عراق و سوریه آترناتیو مردم هستند؟ مردم برای خلاص شدن از این وضعیت باید بین بد و بدتر بد را که احزاب ناسیونالیست و قوم‌پرست هستند انتخاب کنند یا به جز این آترناتیو دیگری دارند؟ اگر این آترناتیو موجود نیست باید برای درست کردن آنچه اقداماتی صورت بگیرد و چه نیروهایی باید پیش‌قدم بشوند؛ و راهکار نهایی چه باید باشد؟

محمد آسنگران: اولاً من متوجه نیستم بحث وجود یا عدم وجود آترناتیو چه ربطی به این بحث و جنگ با داعش دارد. دوما معلوم است که حتی اگر فقط چند نفر چپ و کمونیست در آن جامعه باشند باید به فکر برافراشتن آترناتیو انسانی و رهایی انسان‌ها باشند و آن وقت من دیگر نمی‌گویم آترناتیو نیست و باید بین بد و بدتر انتخاب کرد؛ اما در عراق و کردستان عراق احزاب کمونیسم کارگری شناخته‌شده‌تر و معتبرتر از آن هستند که بگوییم آترناتیو هست یا نیست. موضوع بحث در سؤالات قبلی بیشتر مربوط به جنگ با داعش و غیره بود. اگر منظورت از آترناتیو این است که در این جنگ چه کار باید کرد. پاسخ من این است که همه کمونیست‌ها و سکولارها و آزادیخواهان عراق و کردستان و سوریه و... باید

از لابه لای اخبار

محمد شکر مهر



افزایش ۵۰ درصدی قیمت نان در ارومیه



معاون فرهنگی و امور جوانان اداره کل ورزش و جوانان آذربایجان شرقی گفته: چهار هزار و ۴۸۸ مورد ازدواج دختران زیر ۱۵ سال در استان آذربایجان شرقی ثبت شده است.

این یک فاجعه است. حکومت ازدواج دختران زیر ۱۵ سال را رسماً در قانون ازدواج اسلامی قرار داده و از آن حمایت می‌کند. اکثر این ازدواج‌ها به دلایل فقر، ناآگاهی و سنن عقب‌مانده به کودکان تحمیل می‌شود. در این میان رژیم آدمکشان اسلامی نیز با رسمیت دادن به این جنایت، رسماً ازدواج کودکان را تأیید و بخشا ترویج می‌کند.*

بناب ۴۰ مدرسه تخریبی دارد



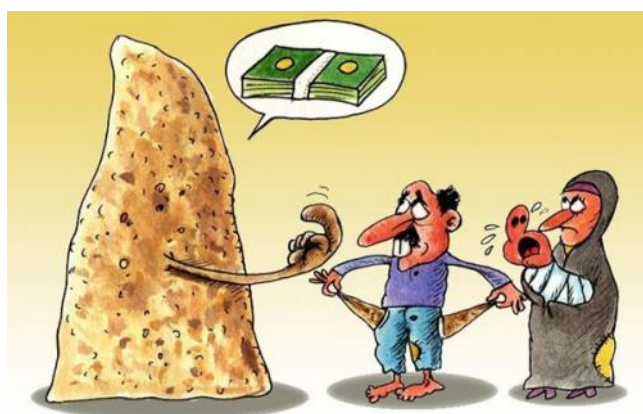
مدیرکل آموزش و پرور رژیم در بناب در آستانه سال تحصیلی اعلام کرد که این شهر ۴۰ مدرسه تخریبی دارد. وی با وقاحت وی شرمی مقامات رژیم گفت بودجه و اعتبار برای نوسازی کلاس نداریم و در نتیجه از "خیران مدرسه‌ساز" می‌خواهیم به کمک تعمیر مدارس بیایند. لازم به توضیح است بودجه نداریم سیاست رسمی وزارت آموزش و پرورش و دولت روحانی می‌باشد. این‌ها میلیاردها تومان بودجه آموزش و پرورش را بین باندهای خود تقسیم کرده‌اند و مردم را مجبور کرده‌اند کودکان خود را در هزاران مدرسه تخریبی و بدون امکانات و با شهریه‌های گران به تحصیل بفرستند.*

اجرای طرح امنیت اجتماعی در زنجان

از اوایل هفته گذشته نیروی انتظامی رژیم در زنجان طرح "ارتقای امنیت اجتماعی" را آغاز کرده است بر اساس اطلاعیه این ارگان سرکوب، نیروی‌های بسیجی و پاسدار به همراه گشت‌های ارشاد در سطح شهر به گشت زنی پرداخته و تعداد ۳۰ نفر را به اتهام "مواد مخدر" دستگیر کرده‌اند.*



افزایش ۵۰ درصدی قیمت نان در میاندوآب و خوی



فرماندار میاندوآب خبر از افزایش ۵۰ درصدی قیمت نان روغنی و نان لواش و سنگک داد. با افزایش ۲۵۰ تومانی نان تافتون، قیمت نان تافتون ۷۵۰ تومان شده است

در خوی قیمت نان تافتون روغنی و سنگک هر کدام به قیمت ۵۰۰ تومان عرضه می‌شد. از اوایل هفته گذشته قیمت نان یک‌باره به مبلغ ۷۵۰ تومان افزایش پیدا کرده. در خوی هر قرص نان روغنی را با افزایش دو برابری قیمت به ۱۰۰۰ تومان به مردم عرضه می‌کنند.*

افزایش ۵۰ درصدی قیمت نان در ارومیه

در روزهای اخیر قیمت نان مصرفی مردم در ارومیه افزایش ۵۰ درصدی یافته است. در واکنش به این گرانی نان فرماندار ارومیه بی‌شرمانه مدعی شده است: "قیمت نان روغنی و باگت که نان حجیم می‌باشند ۵۰ درصد افزایش قیمت داشته است و نان لواش و سنگک افزایشی نداشته است." برخلاف ادعای جناب فرماندار مردم می‌گویند که اکثر نانوبی‌ها قیمت نان را دلبخواهی بالا برده‌اند. در همین حال مقامات استانی ضمنی تأیید کرده‌اند که افزایش قیمت انواع دیگر قیمت نان در راه است.*



ترجمه و تنظیم: فرناز آزار

نظرات بینندگان برنامه ترکی تلویزیون کانال جدید

کوچکترین تعصب مذهبی ندارند، نه نماز می‌خوانند، نه چیزی! من خودم تو عمرم نه وضو گرفته‌ام و نه نماز خوانده‌ام! در خدمت نظام وظیفه هم به من گفتند که تو نماز می‌خوانی یا نه؟ جواب دادم که من نماز نمی‌خوانم! به همین خاطر دو سال از من بیگاری کشیدند!

مجری: من میدانم که فضای عمومی فکری جوانان در آنجا همین‌طور است که شما می‌گویید، روشن است، ولی به‌غیراز جوانان که از مذهب جدا شده‌اند، بخش‌های دیگر جامعه چطور فکر می‌کنند؟

آرش: "حتی در میان نسل قبلی هم همین دیده می‌شود و در میان این نسل هم مردم بیشتر مذهب را کنار گذاشته‌اند و کاملاً علیه مذهب عمل می‌کنند. این‌ها الان مساجدشان خالی مانده، حسینیه‌ها در وضعیت وخیمی از نظر رفت‌وآمد و مراجعه مردم قرار دارد. این آخوندها خودشان و کثافت‌کارهایشان برایشان رسوایی بار آورده و واقعاً آگاه شدن جوانان خیلی بالارزش است. خود آیت‌الله‌ها و مفت‌خورها اعلام می‌کنند که مساجد خالی شده‌اند، جوانان ایمانشان سست شده و آرام‌آرام کسب‌وکارشان تخته شده و برچیده می‌شود."

مجری: با توجه به مشکلات فنی (در تلویزیون) که ما در دو سه ماه گذشته داشتیم، برنامه‌های این تلویزیون را چه تعدادی از مردم می‌بینند؟

آرش: "ما دائماً برنامه‌های شما را می‌بینیم، به دوستانمان هم تبلیغ می‌کنیم که برنامه‌ها را ببینند. بعضی مواقع ما با دوستان دورهم می‌نشینیم و دسته‌جمعی کانال جدید را می‌بینیم، مثلاً برنامه‌های آقای کریمی را تماشا کرده‌ایم و دوستان خیلی خوششان آمده، برنامه‌ها را دنبال می‌کنند، برنامه‌هایتان فوق‌العاده عالی است. من به پنج شش نفر از دوستان دیگرم هم گفته‌ام، برنامه‌ها را نگاه می‌کنند و حرف‌های شما، حرف‌های دل و خواسته‌های جوانان و مردم است و زحمتهایی که می‌کشید واقعاً به‌صورت زیبایی خواسته‌های همه مردم را نمایندگی می‌کند و همه از این بابت برنامه‌ها را تحسین می‌کنند!*"

آرش از آذربایجان غربی: "آقای ابراهیمی نقد خمینی و مقدسات حق مردم است، چطور یک آخوند کثیف به خودش اجازه می‌دهد در مورد مذهب حرف بزند، این‌ها گستاخی را از حد گذرانده‌اند! مثلاً ببینید یک بهایی را چگونه اذیت می‌کنند و ما حق نداشته باشیم مذهب کثیف آن‌ها را نقد کنیم! این‌ها حق ندارند خون مردم را بریزند، خون دگر اندیشان را بریزند! خمینی کثیف و ادامه‌دهنده راهش که این خامنه‌ای میکروب و کثافت است، این‌ها اگر نقد کنند آدم ناراحت نمی‌شود! این‌ها خون می‌ریزند برای مراشان، برای مذهبشان! این حق را چه کسی می‌تواند از ما بگیرد که نتوانیم مذهب این‌ها را نقد کنیم، مسخره نکنیم و جوک درست نکنیم برایشان. می‌خواهم اگر اجازه بدهید جوکی در رابطه با خمینی برایتان بگویم؛ «می‌گویند که روزی خمینی می‌رود پیش دکتر، ناراحتی زخم معده داشت، دکتر پس از معاینه به او می‌گوید: شما نباید ترشی و شور و غذاهای شور بخورید و بالای منبر هم نباید بروی! خمینی به دکتر می‌گوید: من ترشی و شور نمی‌خورم، ولی چرا نباید منبر بروم؟ دکتر: وقتی تو می‌روی بالای منبر گه زیادی می‌خوری!» جوک دیگری هم برای خمینی درست کرده‌اند: «خامنه‌ای مریض می‌شود و می‌رود سر قبر خمینی؛ آقا شما بزرگ ما هستی، شما می‌توانی ما را شفا بدی! صدای خمینی از آسمان به خامنه‌ای می‌گوید: کار من شفا دادن به اسهال و استفراغ است، مریضی تو را من نمی‌توانم شفا بدهم، تو باید بروی پیش امام رضا در مشهد!»"

مجری: آرش جان الان که در فیس‌بوک و فضای مجازی و سیستم ارتباطی جوک‌ها در رابطه با خمینی و اسلام راه افتاده، در منطقه و محلی که شما زندگی می‌کنید فضای فکری عموم مردم چطور است؟ در فضای مجازی و گفت‌وگوهای مردم، از هر لحاظ مردم چه می‌گویند؟

آرش: "من در آذربایجان غربی هستم، این منطقه، منطقه‌ای مرزی و مردم کردزبان هم اینجا زیاد زندگی می‌کنند، جوان‌هایی که از انقلاب به این طرف متولد شده‌اند، به شکل عجیبی، به شکل فوق‌العاده عجیب و قابل‌تحسینی مذهب را کنار گذاشته‌اند، حتی خود سنی‌ها هم عمر را مسخره می‌کنند و شیعه‌ها هم همین‌طور محمد را مسخره می‌کنند، جوان‌ها خیلی جلوآمده‌اند،



مشخصات ماهواره هات برک:
فرکانس ۱۱۲۰۰ - اف ای بی ۶ / ۵ صودی
سیگنال ریت ۲۷۰۰۰
شبکه negah e shoma

تلویزیون کانال جدید در سایت
GLWIZ زیر اسم NEGAH E
SHOMA نیز قابل مشاهده است.
WWW.GLWIZ.COM

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

تلفن تماس: +۹۸۹۶۹۸۹۷-۱۳۱۰

برنامه مستقیم کانال جدید به زبان ترکی

تهیه کننده و مجری: محسن ابراهیمی

هر هفته شنبه‌ها

۹ تا ۱۱ شب تهران ۶:۲۰ تا ۸:۲۰ اروپای مرکزی

این برنامه همزمان در اینترنت قابل دسترسی است